

۱۴۸۳۰۵۷

به نام خدا

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

کلیدهای شناخت و رفتار با

دخترها

نانسی اسناید رمن و پگ استریپ

مترجم: اکرم کرمی

www.saberinbooks.ir

Snyderman, Nancy L

: اسنایدرمن، نانسی، ۱۹۵۲ م.

سرشناسه

: کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها/ نانسی اسنایدرمن و پگ استریپ:

عنوان و نام پدیدآور

مترجم اکرم کرمی.

: تهران، صابرین، کتابهای دانه، ۱۳۸۵.

مشخصات نشر

: ۲۰۱ ص.

مشخصات ظاهری

: کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان.

فروست

: ۵-۸۸-۶۱۸۱-۶۶۴-۹۷۸

شابک

: فیبا. وضعیت فهرست‌نویسی

: چاپ دوازدهم؛ ۱۳۹۷.

یادداشت

: عنوان اصلی: Girl in the mirror: mothers and daughters

یادداشت

in the years of adolescence, c2002

: والدین و نوجوانان، مادران و دختران

موضوع

: نوجوانی، رفتار والدین، دختران نوجوان

موضوع

: استریپ، پگ، ۱۹۴۹ م. Streep, Peg

شناسه افزوده

: کرمی، اکرم، ۱۳۴۱ م. مترجم

شناسه افزوده

: ۱۳۸۵ ۸ک۵۵الف/۱۵/۷۹۹ HQ

رده‌بندی کنگره

: ۳۰۶/۸۷۴

رده‌بندی دیویی

: ۷۵۴۷-۸۵ م شماره کتابشناسی ملی



کتابهای دانه

مؤسسه انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها

نانسی اسنایدرمن و پگ استریپ

اکرم کرمی	مترجم
علی خاکبازان	ویراستار
علیرضا ابراهیمی	اجرای طرح جلد
۲۰۰۰	تعداد
۱۳۹۷	چاپ دوازدهم
کارا	حروفچینی و صفحه‌آرایی
امین گرافیک	لیتوگرافی
اکسیر	چاپ جلد
پژمان	چاپ متن و صحافی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۸۱-۸۸-۵

ISBN: 978-964-6181-88-5

حقوق ناشر محفوظ است.

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

سخن ناشر	۵
مقدمه	۷
فصل اول: دگرگونیهای بنیادی	۱۱
فصل دوم: «من و تو» در تربیت	۳۰
فصل سوم: ماهیت سفر	۵۸
فصل چهارم: شکر فای - کشف خود	۱۰۵
فصل پنجم: دریای متلاطم	۱۴۵
فصل ششم: از خود پرسیم	۱۷۷
فصل هفتم: پیش به سوی آینده	۱۹۶
فصل هشتم: ... و درسهای دیگر	۱۹۹

رشد هیچ یک از ما کامل و پیوسته نیست. گاه در یک بُعد رشد می‌کنیم و در بُعد دیگر بازمی‌مانیم. رشد امری نسبی است. گاه در یک زمینه بالغ می‌شویم و در زمینه دیگری کودکانه رفتار می‌کنیم. گذشته، حال و آینده با هم درمی‌آمیزند، ما را به پس و پیش سوق می‌دهند و گاه در زمان حال ثابت نگه می‌دارند. در واقع وجود ما ترکیبی از لایه‌های گوناگون است.

— آنیس نین^۱

ایده نگارش این کتاب حاصل گفتگوهای دو دوست است. گفتگوهایی که در ابتدا به مجموعه‌ای از افکار پراکنده شبیه بود، اما سرانجام به جهتی مهم سوق داده شد. وقتی من و پگ^۲ مشغول نوشتن کتاب سفرهای ضروری، بیاید از زندگی بیاموزیم بودیم، ساعتها با هم گفتگو می‌کردیم. کتاب به پایان رسیده بود اما گفتگوهای ما همچنان ادامه داشت. اینکه گفتگوی ما از کجا شروع شد، چندان اهمیتی ندارد، اما سرانجام به خودمان ختم شد؛ گذشته و حال ما، تغییرات جسمانی ما (تغییراتی که قبل از یائسگی رخ می‌دهند) و البته دخترهایمان. من صاحب دو دختر به نام کیت^۳ و راشل^۴

1. Anaïs Nin

2. Peg

3. Kate

4. Rachel

هستم و پگ دختری به نام الکساندرا^۱ دارد. ظاهراً هر سه آنها در آن زمان در اوج تغییرات دورهٔ نوجوانی بودند. الکساندرا تازه وارد دبیرستان شده بود و پگ حسابی نگران بود. راشل، دختر کوچک‌تر من هم یکباره از این رو به آن رو شده بود. زندگی من و پگ نقطهٔ مقابل یکدیگر بود، اما تمام داستانهای دلهره‌آور مختلفی که از دوست و آشنا شنیده بودیم و با یکدیگر در میان می‌گذاشتیم حاوی یک مضمون اساسی بود: نوجوانی دوره‌ای است که باید با آن کنار آمد و هرطور شده آن را پشت سر گذاشت. به نظر عموم مردم این دوره چندان جالب به نظر نمی‌رسید.

اما در خلال گفتگوها کم‌کم این سؤال برای ما مطرح شد که در این سالها چه اتفاقی برای مادران می‌افتد؟ واقعیت این است که با ورود دختران به دورهٔ نوجوانی، زندگی مادران نیز دستخوش تغییر می‌شود. سرانجام به این نتیجه رسیدیم که چهل سالگی آن قدر که زمان حرکت به جلو است، زمان بازشستگی نیست. از خود می‌پرسیدیم: بقیهٔ زندگی ما چگونه پیش خواهد رفت. افت ناگزیر سیستم تولیدمثل ما، ما را فقط درگیر فراموشکاریهایی از قبیل جا گذاشتن دسته کلید و کیف پول یا کنار آمدن با فیروم نکرده بود، بلکه فرصتی برای بازنگری به خودمان نیز به شمار می‌آمد. همزمانی میانسالی اکثر مادران با بلوغ دخترانشان در نظر هر دوی ما فوق‌العاده مهم تلقی می‌شد. و سرانجام هر دو از خود می‌پرسیدیم که: تغییراتی که در دختر روی می‌دهد، چه تأثیری بر مادر می‌گذارد و برعکس، جایگاهی که مادر خود را در آن می‌یابد (تلقی مادر از خود) چه تأثیری بر بلوغ دخترش می‌گذارد؟

همچنین هر دو به جایی رسیدیم که زنان، بیش از هر زمانی برایمان اهمیت پیدا کردند و در گفتگو با دوستانمان، نقش رابطهٔ مادر و دختر در شکل‌گیری «خود» بارها و بارها مورد بررسی قرار گرفت. وقتی به خود

1. Alexandra

فکر می‌کردیم، می‌دیدیم که حتی برای ما که به پدر خود عشق می‌ورزیدیم و او را الگو قرار می‌دادیم، مادر نقش مؤثری در شکل‌دهی شخصیت‌مان داشته است. البته بین من و پگ تفاوت‌های زیادی وجود داشت. رابطه من و مادرم همواره بر اساس محبت، اعتماد و حمایت استوار بود؛ حال آنکه پگ هرگز به مادر خود نزدیک نبوده، هنگام بلوغ به شدت از این دوری رنج برده و در بزرگسالی نیز کاملاً با مادرش بیگانه باقی مانده است. وقتی مادر شدم، سعی کردم تفاوت شیوه تربیتی خود و مادرم را بپذیرم، گرچه مادرم را در این زمینه نمونه می‌دانستم. زمانی هم که پگ مادر شد، احساس کرد باید همه چیز را از صفر شروع کند. هرچند تجربه ما از مادر شدن با یکدیگر متفاوت بود، با این حال، در یک مورد مشترک بودیم: هر دوی ما برای مادر شدن باید از سایه مادر خود کناره می‌گرفتیم؛ چه این سایه دلنشین بود و چه سرد و بیم‌آور. در گفتگو با اکثر زنان، درباره ارتباط خود و مادرشان به نقاط مشترکی برمی‌خوریم که مؤید اهمیت آن روابط بود.

کتاب کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها از کتابهای دیگر در زمینه تربیت نوجوانان متمایز است، زیرا نه فقط رابطه مادر و دختر را به صورت ویژه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد بلکه از دیدگاهی خوش‌بینانه نیز به آن نظر دارد. به نظر ما مشکلات نوجوانی فرصتی است تا فرزند، ضمن آموختن مادر خود، بالهای پروازش را بیازماید و مادر نیز به آگاهی بیشتری دست یابد. تربیت کار دشواری است و بی‌تردید مادری کردن برای نوجوان نیز آسان نیست. اما تجربه، درسهای زیادی به ما خواهد آموخت. هرچه باشد همزمانی میانسالی مادر و بلوغ دختر کاملاً تصادفی نیست. حتی افرادی که چند سالی تا میانسالی فاصله دارند، در اوایل نوجوانی دختر خود، این همزمانی را با اندکی اختلاف تجربه می‌کنند.

این کتاب برخلاف کتابهای دیگر بر اساس مطالعات موردی نوشته نشده است؛ چرا که من پزشک هستم، نه روان‌شناس. در عوض، از نعمت

تحقیقات خیره کننده‌ای که در دهه گذشته درباره نوجوانی انجام شده، بهره‌مند شده‌ایم، گرچه همواره اندکی از این تحقیقات در مطبوعات بازتاب داشته است. همچنین بخت با ما یار بود و توانستیم از طریق گفتگوهای تلفنی و مبادله E-mail از همکاری کارشناسان و محققان برخوردار شویم. سرانجام اینکه از یاری ارزشمند مادران (و معدودی از پدران) دیگری که مایل بودند تجربیات خود را با ما در میان بگذارند، بی‌نصیب نماندیم.

نگارش این کتاب، خود سفری برای ما بود. ما آموختیم که آنچه عامه مردم اغلب درباره دختران بالغ می‌پندارند صحت ندارد و بخشی از عقاید خود ما نیز نیازمند اصلاحات اساسی است. با دقت در رابطه مادران و دختران متوجه روشهای مؤثری شدیم که زنان از طریق آن، توانمندیها و دیدگاههای منحصر به فردی نسبت به جهان کسب می‌کنند که نوعاً از روش مردان متفاوت است.

سرانجام اینکه این کتاب درباره رشد است و رشد در دوره بلوغ، به غیر از دوره طفولیت، چرخه‌ای بی‌نظیر در زندگی انسان است. دختران در این دوره تغییرات فیزیکی، شناختی، عاطفی و اجتماعی را تجربه می‌کنند و همین دوره فرصتی در اختیار مادران قرار می‌دهد تا رشد و تحول را تجربه کنند، هرچند به یقین این تجربه با تجربه فرزندشان متفاوت خواهد بود.